روزنامه شرق

شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲ • ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۷۰ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

اعتراض شدید یک کارشناس مخاطرات زمین‌شناختی به تصمیم جدید دولت

ساخت ورزشگاه در محدوده فرونشست با کدام توجیه

زینب رحیمی: دولت سیزدهم قصد دارد در نزدیکی حرم امام خمینی (ره)، مجموعه ورزشی بین‌المللی بسازد اما یک کارشناس مخاطرات زمین‌شناختی صراحتا این تصمیم را خطای تاریخی و اثرات آن را جبران‌ناپذیر می‌داند و تأکید دارد که مسئولان نباید اشتباه صورت‌گرفته در ساخت برج میلاد و پل طبقاتی صدر را تکرار کنند.

صفحه ۱۰

در قالب دور دوم سفرهای استانی سیدابراهیم رئیسی به استان فارس:

ده‌ها پروژه اقتصادی، عمرانی درمانی و زیرساخت افتتاح شد

ابراهیم رئیسی در دور دوم سفرهای استانی به شیراز سفر کرد و مورد استقبال نماینده ولی فقیه در فارس و امام جمعه شیراز، استاندار فارس، نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استانی قرار گرفت.

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: همبستگی بیش از ۵۴۰ نفر از فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، دانشگاهیان، وکلا و پزشکان با مهاجران و پناهندگان افغانستانی، هجمه بی‌دلیل علیه سرمربی پرسپولیس

سرمقاله

سیاست ایستراتی

احمد غلامی

پانائیت ایستراتی، داستان‌نویس رومانیایی، تعبیر تکان‌دهنده‌ای دارد: «با انسانی که به تو ایمان آورده، صادقانه رفتار کن». آدم‌هایی همچون ایستراتی نادرند. نویسنده‌ای که زندگی پرمرارت و سختی را پشت سر گذاشته است. ایستراتی تا دوره ابتدایی بیشتر درس نخوانده اما علاقه‌اش به رومن رولان، نویسنده شهیر فرانسوی و خالق رمان «ژان کریستف» که اغلب خوانندگان ایرانی با آثارش آشنا هستند، او را وامی‌دارد تا زبان فرانسه بیاموزد، آن‌هم به تنهایی و به کمک یک لغت‌نامه فرانسوی. باورنکردنی است ایستراتی با اینکه نه صاحب‌نام است و نه در میان نویسندگان بزرگ همچون زاهاریا استانکو، میرچا الیاده و هرتا مولر جایگاهی دارد، به‌واسطه زندگی پرماجرا و برخورد صادقانه‌اش با خود و دیگران، با رومن رولان این نویسنده پرآوازه دوران خود ارتباط پیدا می‌کند و این ارتباط به دوستی چندین‌ساله منتهی می‌شود. در همین اثناست که رومن رولان او را به نوشتن آن‌هم به زبان فرانسه فرامی‌خواند: بنویس! عشق به نوشتن و عشق به خالق رمان «ژان کریستف» ایستراتی را وامی‌دارد تا به زبان فرانسه داستان بنویسد. نویسندگان بیش از دیگران می‌توانند به مشقتی که این نویسنده برای نوشتن داستان از روی لغت‌نامه کشیده پی ببرند. اما گاه هیچ‌چیز به‌جز عشق به انسان فرمان نمی‌دهد، آنچه در «سیاست به معنای حرفه» هرگز وجود نداشته است. سیاست برای عده‌ای رسالت و حرفه است. ماکس وبر با به‌کارگیری کلمه Beruf که در زبان آلمانی می‌تواند به معنای «حرفه» یا به شکلی دیگر (Berufnung) به معنای «رسالت» باشد، از رسالتی سخن می‌گوید که تبدیل به حرفه شده است؛ حرفه‌ای برای درآمدزایی و تولید ثروت: «ثروت عبارت است از وجوه پرداختی به افرادی که جان خود را به حرفه سیاست تسلیم می‌کنند (در جایگاه عضو برجسته حزب یا در مقام نماینده کنگره) وقتی قدرت فاسد و بت‌واره شده است. اگرچه مقرری‌ها، هرچقدر هم که زیاد باشد، هرگز برای حرص و طمع بی‌حدوحصر ناشی از شور و شعف اِعمال قدرت نامحدود کافی نیست، اما انباشت ثروت از طریق وسایل نامشروع به‌سرعت خودش را به‌مثابه امکان می‌نمایاند». بازگردیم به عشق و ایستراتی و از زبان خودش بشنویم که چگونه به عشق رومن رولان می‌کوشد تا خواسته او را اجابت کند: «با تمام وجودم سر تعظیم فرود آوردم. اما عدم تسلط من به زبان فرانسه، نوشتن یا بهتر است بگویم لذت نوشتن را به کامم زهر هلاهل کرد. کالبد سینه‌ام فرقی با کوره ذوب فلزات نداشت. اما من قالبی برای ریختن این فلزات مذاب پیدا نمی‌کردم. هر بار با پایین‌کشیدن فتیله آتشی که در روحم زبانه می‌کشید چاره‌ای نداشتم جز اینکه به لغت‌نامه مراجعه کنم... هنوز نمی‌دانم آیا نویسنده‌ای مستأصل‌تر و درمانده‌تر از من روی کره زمین وجود دارد یا نه؟». بی‌تردید خلق، ثمره عشق است. عشق شگفت‌انگیز و ناباورانه ایستراتی، حدیث دلدادگی به دیگری است. سیاست نیز با «دیگری» شکل می‌گیرد. حذف دیگری به معنای حذف سیاست است. آنان که پیشه، حرفه و رسالت‌شان سیاست است، درصددند دیگری را حذف کنند. حذف دیگری یعنی حذف قدرت اجتماع (پوتنتیا). در یادداشت هفته گذشته درباره «پوتنتیا»، قدرت اجتماع و «پوتستاس» سخن گفتیم. اینک می‌خواهیم با اشاره به همان کتاب «بیست تز در باب سیاست»، این بحث را ادامه بدهیم؛ چراکه سیاست میدان مین است. میدانی پر از گره‌گاه‌ها که هر دم مترصد انفجاری است. انفجاری که منجر به انفجارهای دیگر خواهد شد. این میدان مین چیزی نیست جز مطالبات و تعارضات جامعه. ایستراتی با ادبیات زیست، اگر ما هم بخواهیم به شیوه او سیاست‌ورزی کنیم، راهی جز «فرمانبرداری فروتنانه» پیش‌رو نخواهیم داشت. فرمانبرداری از مردم و نهادهایی که قدرت مردم آنها را شکل داده است. نهادهایی که نمایندگان مردم هستند نه نمایندگان قدرت. اما زمانی که قدرت به بت‌واره تبدیل می‌شود، دیگر قدرت فرمانبردارانه فروتنانه (مطیعانه فرمان‌دادن) در کار نخواهد بود. «آن‌کس که بخواهد میان شما نخستین [یعنی مرجع اقتدار] باشد، باید برده جملگی باشد». این رهنمود مسیح است به شاگردان خود. چیزی شبیه تعبیر ایستراتی که می‌گوید: «با انسانی که به تو ایمان آورده است صادقانه رفتار کن». در دوستی ایستراتی و رومن رولان، بعد از چند سال وقفه‌ای می‌افتد که تا زمان خودکشی‌اش به درازا می‌کشد. او پیش از آنکه خودکشی کند، نامه‌ای به رومن رولان می‌نویسد و آن را روی سینه خود می‌گذارد. حرفه ایستراتی نویسندگی نبود. او با عشقش زیست. همان چیزی که باعث شد رنج نوشتن به زبان فرانسه را به جان بخرد. او خودش را برده نوشتن کرده بود و نوشتن تمام هستی‌اش شده بود. سیاست نیز همچون نوشتن عشق به خلق است، نه حرفه‌ای برای زندگی. آنان که حرفه سیاست را برمی‌گزینند، کارگزاران قدرت‌اند که «ممکن است به‌سرعت معامله فاوستی را بپذیرند و با استفاده از اِعمال قدرت برای اهداف فردی یا گروهی خودشان، روح خود را به شیطانِ [بت‌وارگی] بفروشند. در اینجا سیاست به‌مثابه حرفه و احزاب سیاسی به‌عنوان ماشین‌های انتخاباتی زاده می‌شوند».

ادامه در صفحه ۳

«شرق» از بازی روانی جمهوری‌خواهان در مورد پول‌ها و منابع مالی ایران در بانک‌های قطر گزارش می‌دهد

حاشیه‌سازی واشنگتنی

سرنوشت ارزهای بلوکه‌شده ایران چه می‌شود؟

عبدالرحمن فتح‌الهی: در پی حمله صبح شنبه هفته گذشته حماس به اسرائیل و تحولات بعدی آن، مجموعه‌ای از هجمه‌های سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای علیه ایران شکل گرفت؛ هجمه‌هایی که به نحوی سعی داشت پای تهران را به این جنگ و عملیات طوفان‌الاقصی باز کند. البته این تلاش‌ها در بطن خود هدف دیگری را هم دنبال می‌کند که ناظر بر مسدودسازی شش میلیارد دلار ایران در بانک‌های قطر است.

در روزهای اخیر، خبرهای جسته‌وگریخته‌ای دال بر احتمال بلوکه‌شدن دارایی‌های ایران از سوی دولت بایدن مطرح شده بود که با قوت‌گرفتن این موضوع، شاهد واکنش تهران بودیم. در این زمینه ایسنا گزارش داد که علی کریمی‌مقام، سخنگوی مطبوعاتی نمایندگی ایران در سازمان ملل، در پیامی در شبکه مجازی ایکس نوشت: «دولت ایالات متحده آمریکا می‌داند که نمی‌تواند از توافق تخطی کند. این پول بحق متعلق به مردم ایران است که برای دولت جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است تا دریافت همه نیازهای ضروری برای ایرانیان را تسهیل کند». این واکنش در پی ادعای پنجشنبه واشنگتن‌پست بود که به نقل از سه منبع گزارش داده بود والی آدیمو، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا، در رابطه با این اموال ایران گفته است «آمریکا با قطر به توافق رسیده تا دسترسی جمهوری اسلامی به شش میلیارد دلار پول آزادشده در توافق تبادل زندانیان را که به قطر منتقل شده بود، متوقف شود». در همین رابطه نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل ادعای روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست را مبنی بر توافق آمریکا با قطر برای بلوکه‌کردن شش میلیارد دلار ایران رد کرد. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این یادداشت واشنگتن‌پست اعلام کرد این خبر صحت ندارد و انتشار آن اعتبار واشنگتن‌پست را خدشه‌دار می‌کند. سناتورهای مورد بحث و دولت ایالات متحده همگی کاملا آگاه هستند که نمی‌توانند از توافق عقب‌نشینی کنند. این پول متعلق به مردم ایران است که دولت جمهوری اسلامی ایران از آن برای تسهیل همه نیازهای ضروری و غیرتحریمی ایرانیان استفاده خواهد کرد. همچنین نور نیوز، رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی نیز اعلام کرد منابع ارزی ایران در قطر کاملا در دسترس است و ادعای واشنگتن‌پست کذب است.

این گزارش را در صفحه ۳ و ۴ بخوانید

واکاوی یک جنبش در برابر اشغالگری

یادداشتی از حسین جابری‌انصاری

جنبش حماس و مقاومت در برابر اشغال

هر بار که تحولات فلسطین اوج می‌گیرد، بحث درباره جنبش مقاومت اسلامی فلسطین - حماس و جنبش اخوان‌المسلمین و پیوند میان این دو با جنبش‌های سلفی و افراطی تندرو مانند القاعده و داعش، موضوع حاشیه‌پردازی‌های مطبوعاتی و سیاسی قرار گرفته و انبوهی از ادبیات نادرست یا غیردقیق در رسانه‌های مجازی و حقیقی فارسی‌زبان، نشر یا بازنشر می‌شود. در یادداشت حاضر، جنبه‌هایی از این موضوع شکافته می‌شود تا پرتوی از واقعیت بر آن تابانده شود.

۱- جنبش اخوان‌المسلمین از تأسیس از طرف حسن البنا در مصر تا به امروز از گسترش طولی و عرضی بسیاری برخوردار شده و اینک تقریبا در همه کشورهای عربی و اسلامی و در میان همه گروه‌های اقلیت مسلمان در سراسر جهان، در سطوح مختلف فکری و سیاسی و تشکیلاتی، حضوری فعال و درخورتوجه دارد. این حضور اگرچه در تحولات پس از سرنگونی دولت و رئیس‌جمهور منتخب و اخوانی مصر از طرف ارتش این کشور و تبدیل آرام‌آرام بهار عرب به خزان عرب، در سطح رسمی به‌شدت تضعیف شد؛ اما در سطح اجتماعی همچنان تداوم دارد.

۲- اخوان‌المسلمین در این مسیر طولانی چنددهه‌ای به لحاظ فکری و سیاسی، ایستگاه‌ها و تحولات و فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و حالتی طیفی و جبهه‌ای یافته است.

این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید

گفت‌وگو با محمد باقر نوبخت

شکست اطلاعاتی و نظامی اسرائیل

در روزهایی که با روند صلح ابراهیم خبر عادی‌سازی رابطه اعراب با اسرائیل در صدر اخبار بود و گفته می‌شد عربستان پیش از سال نو میلادی به عادی‌سازی رابطه با اسرائیل تن خواهد داد، حملات و عملیات حماس در اسرائیل برای جهانیان شوک‌آور شد. بدون شک این عملیات غیرقابل انتظار برای تل‌آویو شکستی فراتر از شکست ۱۹۷۳ بوده است. عملیاتی نظامی که معادلات سیاسی و دیپلماتیک منطقه را بار دیگر دچار دگرگونی کرد. محمدباقر نوبخت با تأکید بر اهمیت این حمله نظامی معتقد است «مبارزان فلسطینی با تغییر تاکتیک از پدافند به آفند، به جبران همه حملات وحشیانه رژیم کودک‌کش اسرائیل که بارها در برهه‌های مختلف انجام شده، عملیاتی را کلید زدند که هیمنه و هژمونی آمریکایی-اسرائیلی را با چالشی جدی در منطقه و اذهان جهانی روبه‌رو کرده است». این نبرد نه‌تنها برای اسرائیل و آمریکا بلکه برای همه کشورهای حامی اسرائیل و اعرابی که به دنبال پروژه صلح بودند، پیامی واضح دارد و آن تلاش مبارزان فلسطینی برای تعیین سرنوشت خود به دست خود است. محمدباقر نوبخت، استاد دانشگاه، دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و معاون اسبق رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «شرق» به تبیین عملیات نظامی حماس و دستاوردهای احتمالی این نبرد مبارزان فلسطینی با اسرائیل پرداخته است.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

آیا فقط حکومت‌ها استاندارد دوگانه دارند؟

مهرداد احمدی‌شیخانی

موضع ما درباره استاندارد دوگانه چیست؟ بگذارید همین ابتدای مطلب اشاره کنم که در فرهنگ ما ایرانیان، از همان قدیم برای استاندارد دوگانه ضرب‌المثل داشته‌ایم، ضرب‌المثلِ «یک بام و دو هوا». داستانش را حتما می‌دانید؛ ولی برای آنکه متهم به ترویج آداب خلاف عفت عمومی نشوم، از ذکر داستانش در این یادداشت می‌گذرم. اگر اطلاعی از ماوقع این مثل ندارید، کافی است در گوگل سرچ کنید تا از روایتش مطلع شوید. در هر صورت موضوع استاندارد دوگانه برای ما ایرانی‌ها، موضوع جدیدی نیست و از قدیم در زندگی روزمره‌مان با آن روبه‌رو بوده‌ایم و زمانی که با دوگانگی رفتار روبه‌رو می‌شویم، از مَثَل یک بام و دو هوا استفاده می‌کنیم و حالا که یک مقدار مدرن شده‌ایم، عبارت استاندارد دوگانه را به کار می‌بریم که همان یک بام و دو هوای قدیمی خودمان است. و البته بیشتر اوقات وقتی می‌گوییم استاندارد دوگانه، منظورمان بیشتر معطوف به رفتار و موضع‌گیری‌های صاحبان قدرت است؛ اما فقط صاحبان قدرت نیستند که دچار استاندارد دوگانه‌اند و یک بام و دو هوا می‌کنند و تقریبا همه ما چنین هستیم. واقعیت این است که بسته به اینکه علاقه‌مان چه باشد و به کدام طرف ماجرا گرایش داشته باشیم، ما هم دچار استاندارد دوگانه‌ایم. مثال خیلی واضح و روشنش را می‌توان در موضع‌گیری‌های‌مان درباره دو رخداد جنگ اوکراین و حمله حماس به اسرائیل دید. در داستان جنگ اوکراین، تقریبا بسیاری در کشور خودمان و در اکثر نقاط جهان، صاحب موضع بودند؛ موضعی که با یکی از طرفین جنگ همراه بود.

داستان جنگ اوکراین این است که رهبران این کشور در مقابل خواست روسیه که به ناتو نپیوندید، مقاومت کردند و نتیجه آن، حمله روسیه به اوکراین و نابودی بخش بزرگی از زیرساخت‌های این کشور و از دست دادن قسمت‌هایی از سرزمینش بود. کاری به مواضع دیگر کشورها ندارم؛ ولی بسیاری در کشور خودمان با وجود حصول این نتیجه و نابودی بخش اعظمی از آنچه اوکراین داشت و حالا دیگر فاقد آن است، این مقاومت را شایان تقدیر و تمجید دانستند و به‌ویژه بخش درخورتوجهی از روشنفکران و منتقدان حاکمیت خودمان، در برابر مواضع ضمنی کشورمان در این جنگ، با وجود صدمات کمرشکن بر اوکراین، از رفتار حاکمان این کشور حمایت کردند؛ اما حالا اتفاق دیگری افتاده. ۷۰ سال است که فلسطینیان در آپارتاید اسرائیل اسیرند. بخش بزرگی از سرزمین‌شان را از دست داده‌اند و آنچه برای‌شان مانده، یا در محاصره است یا هر روز در پوشش شهرک‌های جعلی مصادره و تکه‌تکه می‌شود و آخرالامر، حماس به اسرائیل حمله کرده و اسرائیل در جواب و برای انتقام‌گیری، آب و برق را قطع، ورود هر نوع دارو و مایحتاج به غزه را ممنوع و ۳۰ درصد این بزرگ‌ترین زندان بی‌سقف جهان را با خاک یکسان کرده و در آستانه لشکرکشی به این زمین سوخته است تا مابقی آنچه را باقی مانده، نابود کرده و آنان را که هنوز زنده مانده‌اند، بکشد. دراین‌میان آنها که در کشورمان، تا دیروز یا به نفع اوکراین یا به نفع روسیه موضع می‌گرفتند، این بار چه واکنشی نشان می‌دهند؟ آنانی که رفتار حاکمیت اوکراین را نابخردانه و غیرمسئولانه و سبب‌ساز نابودی این کشور می‌دانستند، رفتار حماس را می‌ستایند و آن را قهرمانانه توصیف می‌کنند و برعکس، آنهایی که تا دیروز از شجاعت رهبران اوکراین داد سخن می‌دادند و زلنسکی را می‌ستودند، در اینجا رفتار حماس را نابخردانه و غیرمسئولانه می‌خوانند و بر این باورند که حماس، نسنجیده و بدون دخیل‌کردن سرنوشت مردم در نتیجه کار، فقط باعث بدبختی بیشتر مردم غزه شده است و آن پیروزی که از آن دم زده می‌شود، حاصلی غیر از رنج و محنت بیشتر برای مردم ستم‌دیده غزه ندارد.

حال درباره کنشگران دو سوی ماجرا چه باید گفت؟ بالاخره مقاومت در مقابل تجاوز، شرافتمندانه است یا نابخردانه؟ آیا اگر یک سوی ماجرا روسیه باشد، بد است و اگر در جای دیگر اسرائیل و غرب قرار گرفته باشد، خوب می‌شود و برعکس؟ آخر چطور می‌شود که یک عمل واحد در دو جای جهان رخ بدهد و یک بار آن را ستایش کنیم و دفعه بعد که افراد دیگری همان کا را کردند، آن را نکوهش کنیم؟ اگر تجاوز به سرزمین دیگران بد است، همیشه بد است و اگر مقاومت، حتی به بهای کشته‌شدن و نابودی، خوب و شرافتمندانه است، همیشه خوب و شرافتمندانه است؛ اما واقعیت این است که اکثر ما دچار استاندارد دوگانه‌ایم و برای‌مان فرق می‌کند که یک رفتار واحد از طرف چه کسی و در مقابل چه کسی انجام شود. اگر کسی را که می‌پسندیم، در مقابل آن کسی که نمی‌پسندیم مقاومت کند، کاری قهرمانانه و شرافتمندانه کرده و اگر آن را که نمی‌پسندیم در مقابل آن کسی که می‌پسندیم چنین کرده باشد، عملی نابخردانه و غیرمسئولانه انجام داده است.

گفت‌وگو با نوری قزلجه، رئیس فراکسیون مستقلین ولایی

دست‌های پشت پرده در برنامه هفتم توسعه

۲

گزارش میدانی «شرق» از فشار بر صاحبان زمین‌های وقفی نصیرآباد شهریار، با تخریب باغ و زمین‌های کشاورزی

می‌خواهند جایی را که آباد کردیم از ما بگیرند

۶

روی خوش اصولگرایان به FATF

محمد صدر: رئیسی درباره FATF تغییر موضع داده و موافق شده است

۲

پیکر پسیانی با حضور هنرمندان و مردم تشییع شد

وداعی ماندگار با آتیلا

با یادداشت‌هایی از: حسین سلیمی، علی رفیعی، رضا گوران، ستاره اسکندری و قطب‌الدین صادقی

۱۱

یادداشت

تراژدی غزه در عصر پسامدرن

کیکاوس پورایوبی

زمانی که تاریخ حادثه خون‌بار انسان‌ها را در عصر امپراتورهای کهن ثبت می‌کرد، به داستان گلادیاتورها در روزگار روم باستان در سده سوم پیش از میلاد سخت می‌گریست، قوی و ظالم در مقابل ضعیف؛ انسان‌های برتری که برای ارضای شهوات قدرت و سرخوشی میل باطنی و ضمیر ناپاک خود، هم‌نوعان خود را با تیغ و شمشیر به جان هم یا حیوانات درنده می‌انداختند تا با لگدمال‌کردن حقوق انسانی که خداوند به آنان ودیعه داده و در قالب جسم و روان ارزانی آنان کرده، از آنان بگیرند و اوقات فراغت خود را در آرامش لبریز سازند، گواه تاریخ آن است که یک میلیون انسان مظلوم در اوج دیدگان گروه برتر به طرز فجیعی دریده شدند. مگر چه کسی گریست؟ در عصر امپراتوری‌ها هدف نهایی گسترش قلمرو به هر قیمتی و میدان جنگ، آرمانی بود که لشکر خسته را از میدانی به میدان دیگر آماده می‌کرد؛ روح تاریخ، سرگردان، مسیر آرامش را طلب می‌کرد؛ اما این آرامش هیچ‌گاه دست‌یافتنی نشد. به دنبال فروپاشی نظم امپراتوری پس از جنگ‌های ۳۰ساله مذهبی اروپا که جزء خون‌بارترین جنگ‌های تاریخ بود، با صلح وستفالی (۱۶۴۸) و به‌رسمیت‌شناختن حقوق برابر و یکسان برای کشورها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل؛ دولت - ملت‌ها شکل گرفتند؛ ابزارهای نوع زندگی مدرن شد؛ اما تفکرات و الگوهای رفتاری ریشه در نظم ماقبل وستفالی همچنان باقی ماند و اخلاق مدرن عملا پدیدار نشد. در اوج مدرنیسم ابزاری در قرن بیستم جهان دو جنگ جهانی را تجربه کرد که درآن میلیون‌ها انسان کشته و زخمی و آواره شدند و خسارت عدیده‌ای به تاریخ وارد شد. جهان در عصر جنگ سرد در قالب دو جبهه متضاد هر اقدامی علیه بشریت انجام داد، فقط یک نمونه به آمار کشتارهای ویتنام به دست آمریکا نگریسته شود یا اقداماتی که اتحاد جماهیر شوروی سابق علیه ملت‌های آزاد در اقصانقاط جهان انجام داد مشاهده شود، آن وقت اوج فاجعه را می‌توان شناخت. اکنون جنگ غزه در دوران پسامدرن اتفاق می‌افتد؛ روزگاری که ضعف‌های مدرنیسم چه از لحاظ آپارتاید نژادی، مذهبی، قومی و... باید برطرف شود، در سپهر سیاسی حوزه عمومی از حوزه خصوصی منفک می‌شود؛ اما بساط حقوق انسان‌ها چیز دیگر را نشان می‌دهد. کسانی که مقاومت را در غزه فارغ از هر نحله یا گروه، مسئول جنگ معرفی می‌کنند، سؤال پیش می‌آید حقوق نابرابر یک جمعیت بزرگی را شنیده‌اید؟ تبعیض نژادی و مذهبی را تحمل کرده‌اید؟ ایست بازرسی‌های مداوم و تکراری در چهارراه‌های شلوغ را دیده‌اید؟ نداشتن هیچ‌گونه آزادی‌های سیاسی و مدنی را تجربه کرده‌اید؟ قطعی آب، برق، گاز و انرژی را چشیده‌اید، آری غزه زندانی روباز است که دورتادور آن بسته است. نوار غزه به وسعت ۳۶۰ کیلومترمربع با تراکم جمعیت بسیار بالا است که در لابه‌لای هم پیچیده‌اند.

ادامه در صفحه ۳